

عالی حوزه‌ی علمیه‌ی قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه‌ی خواهران

مدرسه‌ی علمیه‌ی جوادالائمه (ع)

شهرستان آبدانان

عنوان

واکاوی بارزترین فوائد کار مطلوب و اشتغال زدایی بر زندگی انسان، در قرآن و حدیث

استاد راهنما :

رودابه رضائی

پژوهشگران :

آمنه جوشن

الهه پاکزاد

زینب حیدرزاده

فائزه گراوند

پاییز ۹۶

چکیده

از هنگامی که انسان بر کره زمین پدید آمد، برای رفع نیازهای خود نیازمند کار و کوشش بوده است، زندگی انسان بر محور کار و تلاش می‌گردد. و کار تلاش انسان جهت رسیدن به هدفی معین است. کار بزرگ‌ترین و شاید زیربنایی‌ترین بخش زندگی انسانی است و کلید گشایش هر استعدادی در درون انسان است، چرا که از کار می‌توان به جوهره درونی افراد پی برد و وقتی این جوهره‌های درونی آشکار شوند و استعدادهای بالقوه به منصفه ظهور برسند می‌توان به وجود جامعه‌ای پویا امیدوار بود. در این مقاله سعی شده است با روشی توصیفی تحلیلی به واکاوی جایگاه فرآیند کار مطلوب در قرآن و حدیث پرداخته شود، که ابتدا به بررسی لغوی و اصطلاحی معنی کار پرداخته شده و در ادامه به آداب آن سپس به اهمیت کار در اسلام، و در قسمت آخر به آثار و فواید آن در زندگی فردی و اجتماعی پرداخته شده است.

کلید واژه: کار مطلوب، تلاش، قرآن، روایات.

در جهان‌بینی اسلامی، کار مطلوب مفهوم ویژه‌ای دارد و آثار آن تمام صحنه هستی را می‌گیرد و دنیا و آخرت را به هم گره می‌زند. در دین مبین اسلام، سلوک الهی دارای دو بخش است: بخش مادی و بخش معنوی؛ بخش مادیش کار است و بخش معنویش نماز، و از اینجا می‌توان به اهمیت کار مطلوب در جامعه اسلامی پی برد.

کار مطلوب در اسلام به عنوان یک امر مقدس شناخته شده است و بیکاری مردود و مطرود شده است و آنچه از احادیث امامان معصوم (ع) برمی‌آید این است که، کار کردن به عنوان عملی دنیوی و اخروی که دارای اجر و ثواب بسیار است یاد نموده‌اند، و نسبت به آن سفارش‌های بسیاری کرده‌اند. در این آموزه‌ها، به کسی که برای اداره زندگی خانواده‌اش سعی و تلاش می‌کند، عنوان «جهاد کننده در راه خدا اطلاق شده است». همچنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «ما غدوة أحدکم فی سبیل اللّٰه بأعظم من غدوته یطلب لولده و عیاله ما یصلحهم؛ درآمدن شما - اوّل صبح - برای جهاد در راه خدا، از درآمدن آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می‌کند بالاتر نیست (و ارزش و اجرش بیشتر نیست)». (حسین بن محمد نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳، ص ۱۳)، همچنین در روایتی دیگر از امام کاظم (ع) نقل شده است که: «من طلب هذا الرّزق من حلّه، ليعود به علی نفسه و عیاله، کان کالمجاهد فی سبیل اللّٰه؛ آن کس که روزی حلال طلب کند تا به مصرف خود و نانخوران خود برساند، همچون کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند». (محمد بن یعقوب کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹۳)

امامان و پیشوایان دین (ع) در سخن و عمل به مسئله کارمطلوب و اشتغال تأکید داشته و از بیکاری به شدت دوری کرده‌اند. در روایات آمده است کسی که به کار و تلاش مشغول است، از کسی که کار را رها کرده و به عبادت خدا مشغول است اجر و پاداشی فزون‌تر دارد. و نیز در روایات است که دعای بیکار هر چند عابد باشد مستجاب نمی‌شود.

در روایتی آمده است که امام صادق (ع) به علی بن عبدالعزیز می‌فرماید: «مَا فَعَلَ عُمَرُ بْنُ مُسْلِمٍ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَقْبَلَ عَلَى الْعِبَادَةِ وَ تَرَكَ التَّجَارَةَ فَقَالَ وَيْحَهُ أَمَا عَلِمَ أَنَّ تَارِكَ الطَّلَبِ لَا يُسْتَجَابُ لَهُ دَعْوَةٌ - إِنَّ قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص لَمَّا نَزَلَتْ - وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ أُغْلِقُوا

الْأُتُوبَ وَ أَقْبَلُوا عَلَى الْعِبَادَةِ وَ قَالُوا قَدْ كُفِينَا فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ ص فَأَرْسَلَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَا حَمَلَكُمْ عَلَى مَا صَنَعْتُمْ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ تَكْفُلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِأَرْزَاقِنَا فَأَقْبَلْنَا عَلَى الْعِبَادَةِ فَقَالَ إِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يَسْتَجِبِ اللَّهُ لَهُ عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ ثُمَّ قَالَ إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ فَاعِرًا فَأَهْ إِلَى رَبِّهِ يَقُولُ أَرْزُقْنِي وَ يَتْرُكُ الطَّلَبَ؛ عمر بن مسلم چه می‌کند؟ عرض کردم فدایت شوم به عبادت رو کرده و دست از کسب و کار کشیده است، فرمود: ای وای! آیا نمی‌داند کسی که کار را رها کند هیچ دعائی از او به اجابت نمی‌رسد، بعد فرمود: جماعتی از اصحاب رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَنَگَامی که آیه شریفه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ وَ هَر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند.» (طلاق/۲-۳) نازل شد مغازه‌های خود را بستند و در مسجد به عبادت رو آوردند و با خود می‌گفتند که خداوند ما را کفایت کرد، و این موضوع به گوش رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ رسید نزد آنها فرستاد و پرسید چه چیز شما را بدین کار که کرده‌اید واداشت؟ گفتند: یا رسول الله خداوند خود روزی ما را تکفل فرموده لذا ما به عبادت و پرستش او رو کرده‌ایم، فرمود: براستی که هر کس چنین کند دعایش را خداوند اجابت نفرماید، بر شما باد که طلب روزی کنید و به کار و حرفه‌ای بپردازید، سپس فرمود: من دشمن دارم آن کس را که کار را ترک کند و دهان به روی آسمان بگشاید و بگوید: خداوندا، مرا روزی ده، و کوشش را رها کند.» (محمد بن علی ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۲)

نقش کارمطلوب در تقویت و تهذیب خلق و خوی انسان نیز آشکار است، چه کار مسئولیت است، و هر کس از این مسئولیت آگاه شود و به ادای وظیفه بپردازد از بیکاری و بی‌مبالاتی دور می‌شود، و از مفساد فراغت و زیانهای آن و زیانهای پرداختن به لهو و لعب در امان می‌ماند. بدین گونه نیروهای اخلاقی او شکفته می‌شود، و نفس آگاه به مسئولیت وی که برای انجام دادن آن تلاش می‌کند مهذب می‌گردد. البته زیانهای اخلاقی عاطل بودن و بیکاری واضح است، چنان که امام صادق «ع» به آن اشاره فرموده است:

«... وَ كَانَ النَّاسُ أَيْضًا يَصِيرُونَ بِالْفَرَاغِ إِلَى غَايَةِ الْأَشْرَ وَ الْبَطَرِ حَتَّى يَكْثُرَ الْفُسَادُ وَ يَظْهَرُ الْفَوَاحِشُ؛ (اگر کار نمی‌بود و ضرورت نمی‌داشت) آدمیزادگان با فراغتی (بیکاری) که برایشان پیش می‌آمد، به ناسپاسی و سرمستی گرفتار می‌شدند، و تباهی و زشتکاری همه جا را می‌گرفت.» (محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۰۶)

علاوه بر موارد، بالا اقتصاد که متکی بر تصرف کردن در طبیعت و هر چیزی است که در آن است، جز با کار به دست نمی‌آید؛ پس کارمطلوب برای اقتصاد همچون ستون برای خانه است، یعنی همان گونه که خانه بدون ستون پدید نمی‌آید، اقتصاد هم بدون کار مطلوب معنایی ندارد. و از این لحاظ میان اقتصاد فردی و اجتماعی تفاوتی نیست؛ پس بر آدمی واجب است که دارای پیشه و کاری باشد، به گونه‌ای که نیازمندیهای خود و اجتماع را تأمین کند و بر ثروت ملت خویش بیفزاید؛ و برای همین خداوند نیروی کار کردن به آدمی داد؛ و به تعبیر امام سجّاد «ع»:

«رکب فینا آلات البسط، و جعل لنا أدوات القبض، و متّعنا بأرواح الحیاء، و أثبت فینا جوارح الأعمال؛ در (پیکر) ما ابزار گشادن و گرفتن نهاد، و ما را از نیروهای حیاتی بهره‌مند ساخت، و به ما اندامهایی (دست و پا) برای کار کردن داد». (صحیفه سجّادیه، دعای اول)

۱- تعریف لغوی و اصطلاحی کار مطلوب

کلمه «کار» فارسی است اما این مفهوم در قرآن با واژه‌های مختلفی به کار مطلوب رفته است از جمله: فعل، عمل، کسب، شغل، صنع، جهد، سعی، کدح. این کلمات با مشتقات آنها علاوه بر موارد فراوان در روایات، در قرآن نیز بیش از ۶۰۰ بار به کار مطلوب رفته است.

که برخی اشاره می‌کنیم: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ؛ هر کسی در گرو دستاورد خویش است.» (مدثر/۳۸)؛ «وَمَنْ جَاهِدْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ؛ و هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است.» (عنکبوت/۶)؛ «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ؛ ای انسان، حَقًّا که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد.» (انشقاق/۶).

از نظر لغوی «کار» به معنای فعل، عمل و کردار است. راغب اصفهانی واژه «عمل» را این گونه تعریف می‌کند: «هر فعلی را که حیوان از روی قصد انجام دهد، "عمل" نامیده می‌شود. مفهوم عمل از فعل، خاص تر و محدودتر است؛ زیرا "فعل" گاه در مورد اشیای جامد نیز به کار مطلوب می‌رود.» (حسین بن محمد راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۸۷). «عمل» به کار مطلوبی اطلاق می‌گردد که از روی عقل و فکر انجام شود، لاجرم با عمل و آگاهی همراه است، اما «فعل» از آن عامتر است.» (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲، ص ۳۸۳)

طبیعت نهفته و در اختیار بشر قرار داده است. اگر روزی بشر بتواند گنجینه‌ها و دفینه‌های موجود در دل زمین را بشناسد و با همت و تلاش آن را شناسایی، کشف و استخراج و توزیع عادلانه نماید دیگر فقری در جهان نخواهد بود.

خداوند در سوره یس به ذکر نعمتهایی می پردازد که در اختیار انسان قرار داده تا آدمی با کار مطلوب و تلاش از این نعمت ها و موهبت های الهی بهترین استفاده را ببرد و نیازهای خود را برآورده سازد، «وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ * لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ؛ و در آن [زمین] باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم. تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند، آیا باز [هم] سپاس نمی‌گزارند؟» (یس/۳۴-۳۵)

پیامبر اکرم می فرمایند: «لو أنَّ رجلاً أخذ حبلاً فبأْتى بحزْمه حطب على ظهره، فبيعها فیکفَ بها وجهه، خیر له من أن یسأل؛ اگر مردی ریسمانی برگیرد و پشته هیزمی جمع کند، و آن را بر پشت خود نهاده بیاورد و بفروشد، و بدینسان (و با هیزم‌کشی) آبروی خود را نگاه دارد، بهتر از آن است که دست سؤال پیش کسی دراز کند.» (محمد بن حسن شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۴۴۳؛ احمد بن محمد ابن فهد حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۰)، همچنین در حدیثی دیگر می فرماید: «إذا أعسر أحدکم فلیخرج، و لا یغم نفسه و أهله؛ اگر کسی از شما گرفتار عسرت و تنگی شد باید دنبال کار برود، و خود و خانواده‌اش را گرفتار غم و اندوه (فقر) نسازد.» (محمد بن حسن طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۲۹؛ محمد بن احمد ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۲۸)

با کار و تلاش فقر دفع می شود. کسب درآمد باعث می شود فرد بتواند به دیگران کمک کند و در بعد اجتماعی مفید و مؤثر باشد. امام باقر می فرماید: «من طلب (الرزق فی) الدنیا استعفاً عن الناس، و توسیعا علی أهله، و تعطفاً علی جاره، لقی الله عزّ و جل یوم القیامه، و وجهه مثل القمر لیلة البدر؛ هر کس برای بی نیازی از مردم و تلاش برای رفاه خانواده و مهربانی و خیرخواهی به همسایه در طلب مال و امکانات زندگی برآید روز قیامت در حالی که صورتش همچون بدر درخشان است خداوند را ملاقات می‌کند.» (محمدرضا حکیمی؛ علی حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۰)

۴-۴- رشد عقلانی و سرگرمی فکری

کار مطلوب، وسیله کسب تجربه انسان است و بر رشد عقلانی و اجتماعی او می‌افزاید. امام صادق(ع) می‌فرماید: «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعَقْلِ؛ تجارت عقل را رشد می‌دهد.» (حسین بن محمد نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۳۷۴؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۱۱)، همچنین در حدیثی دیگر می‌فرمایند: «تَرَكُ التَّجَارَةِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ؛ ترک تجارت و داد و ستد با مردم عقل را می‌برد.» (محمد بن علی ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۹۲)

شهید مطهری در این مورد می‌گوید: «کار و فعالیت موجب سرگرمی فکری است؛ یعنی فکر انسان متوجه اصلاح کار خویش است و این به نوبه خود این نتیجه را دارد که دیگر مجالی برای فعالیت قوه خیال و هوس های شیطانی باقی نمی‌ماند. (مرتضی مطهری، ۱۳۸۹، ص ۲۰۰)، چرا که انسان یک نیرویی دارد و آن این است که دائماً ذهنش و خیالش کار می‌کند. اگر قوه خیال آزاد باشد، منشأ فساد اخلاق انسان می‌شود. «فکر انسان عادت می‌کند که همواره منظم کار کند. از بی انتظامی و پریدن از یک شاخه هوس به شاخه دیگر خلاص گردد. (همان، ص ۲۰۰)، بدیهی است که یکی از اصول شخصیت انسان، همان استواری و استحکام و انتظام فکر اوست.

۴-۵- گسترش اخلاق اجتماعی و کاهش مفاسد

کار مطلوب و فعالیت سالم، نقش موثری در تکامل اخلاقی فرد و جامعه و پیشگیری از مفاسد اجتماعی دارد. این از آن روست که بیکاری و فراغت بیش از حد نیاز، به طور طبیعی فرصت و زمینه دست زدن به کارهای ناشایست و غیر اخلاقی را فراهم می‌سازد. افزون بر آن کار و تلاش و نشاط روحی و جسمی، زمینه ساز رشد فضایل اخلاقی، و فقدان آن موجب تیرگی جان و منتهی به سقوط اخلاقی می‌گردد. امروزه جوامع انسانی به پدیده اشتغال نیروی کار فقط از بعد اقتصادی توجه نمی‌کنند، زیرا بحران بیکاری، زمینه مفاسد گوناگون اجتماعی از قبیل اعتیاد، سرقت، اعمال ضد اخلاقی و ... را فراهم می‌سازد و بخش مهمی از درآمد خانواده ها صرف پر کردن ساعت فراغت فرزندان می‌شود.

امام باقر(ع) می‌فرماید: «الْكَسَلُ يَضُرُّ بِالْدِّينِ وَالدُّنْيَا؛ سستی و تنبلی موجب خسارت به دین و دنیا است.» (حسن بن علی ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۰۰)

نتیجه گیری

زندگی آدمیان مبتنی بر کار مطلوب و تلاش است و اسلام دین کار مطلوب و تلاش، تکاپو و تحرک است. منطق قرآن کریم منطق کار مطلوب است. رمز موفقیت انسان‌ها در امور معنوی و مادی در محوریت کار مطلوب و تلاش رقم می‌خورد. در نظام ارزشی اسلام کار مطلوب و تلاش اهمیت ویژه‌ای دارد، و آن را نوعی عبادت، وسیله‌ای برای کسب عزت، مایه سعادتی و خوشبختی، و رهایی از ذلت، دانسته است. و زندگی زاهدانه و دوری از اجتماع، پرهیز از کار مطلوب و تلاش و تکدی‌گری مذموم شمرده شده است.

آدمیان در نظام خلقت همانند دیگر مخلوقات، موجوداتی هستند که همواره در حال تکاپو و تلاشند و در پرتو کار مطلوب و کوشش مستمر می‌توانند قلّه‌های رفیع انسانیت و کمال را بپیمایند. در این نگاه تکاپو و تحرک برای تمامی آدمیان بلکه همه‌ی موجودات امر ضروری است، از این رو، جامعه‌ای که در آن بیکاری، کمبود شغل و تنبلی نمود یابد، در برنامه ریزی‌ها، سیاست‌های کلان اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سرمایه‌گذاری‌ها، راه درستی نخواهد پیمود.

منابع و مأخذ

- (۱) قرآن
- (۲) نهج البلاغه
- (۳) صحیفه سجادیه
- (۴) مصباح الشریعه. منسوب به جعفر بن محمد علیه السلام، امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰)؛ بیروت: اعلمی.
- (۵) ابن ادریس، محمد بن احمد (۱۴۱۰)؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (و المستطرفات)، ج ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۶) ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- (۷) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)؛ تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- (۸) ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷)؛ عدّه الداعی و نجاح الساعی. تهران: دار الکتب الإسلامی.
- (۹) احمدی میانجی، علی (۱۴۲۶)؛ مکاتیب الأئمه علیهم السلام، ج ۱. قم: دار الحديث.
- (۱۰) تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)؛ غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات.
- (۱۱) حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰)؛ الحیاه، ج ۵، ۱. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- (۱۲) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)؛ المفردات فی غریب القرآن. دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة.
- (۱۳) شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴)؛ هدیة الأئمة إلی أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۶. مشهد: آستانه الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامیة.
- (۱۴) شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)؛ وسائل الشیعة، ج ۱۷، ۹. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- (۱۵) طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ۱۰، ۱۳. تهران: انتشارات اسلامی.
- (۱۶) طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ۲. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- (۱۷) عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۱. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- (۱۸) عسکری، ابوهلال (۱۴۱۲)؛ الفروغ اللغات. قم: موسسه نشر اسلامی.
- (۱۹) قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱)؛ شرح فارسی شهاب الأخبار (کلمات قصار پیامبر خاتم ص). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

- ۲۰) کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۶۳)؛ خلاصه المنهج، ج ۱. تهران: انتشارات اسلامیه.
- ۲۱) کبیر مدنی، سید علیخان بن احمد (۱۴۰۹)؛ ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، ج ۳. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۲) کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰)؛ کنز الفوائد، ج ۱. قم: دارالذخائر.
- ۲۳) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)؛ الکافی، ج ۵، ۷. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ۲۴) لیشی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)؛ عیون الحکم و المواعظ (لیشی). قم: دارالحديث.
- ۲۵) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)؛ بحارالانوار، ج ۳. قم: دار احیاء و التراث العربی.
- ۲۶) مرزبانی، محمد بن عمران (۱۳۷۸)؛ مناجات الهیات حضرت امیر علیه السلام و ما نزل من القرآن فی علی علیه السلام. تهران: وزارت ارشاد.
- ۲۷) مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)؛ تفسیر روشن، ج ۵، ۱۱. تهران: مرکز نشر کتاب.
- ۲۸) مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)؛ تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات الزهرا.
- ۲۹) مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)؛ حکمت‌ها و اندرزها. تهران: صدرا.
- ۳۰) میدی، حسین بن معین الدین (۱۴۱۱)؛ دیوان امیر المؤمنین علیه السلام. قم: دار نداء الإسلام للنشر.
- ۳۱) میک، رونالد (۱۳۸۵)؛ پژوهشی در نظریه ارزش کار مطلوب، ترجمه: م سوداگر. تهران: پازند.
- ۳۲) نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸)؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.